
نویسنده: پاول ار پیلر «Paul R. Pillar» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-07-01» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



استفاده و سوءاستفاده ترامپ از اطلاعات ایران

Trump's use and misuse of Iran intel

ما بار دیگر در حال کاوش جهانی هستیم که در آن اطلاعات برای تطبیق با یک سیاست شکل می‌گیرد، نه برای آگاه کردن آن.

We're once again exploring a world where intelligence is shaped to fit a policy, not inform it

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، دو بار، در عرض یک هفته، با سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده در مورد مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران اختلاف نظر داشته است. در هر مورد، ترامپ روایت مورد نظر خود را پیش می‌برد، اما تفاوت‌های اساسی در این دو مورد در جهت مخالف بود.

قبل از پیوستن ایالات متحده به حمله اسرائیل به ایران، ترامپ شهادت قبلی **تولسی گابارد**، مدیر اطلاعات ملی، را که در آن او قضاوت جامعه اطلاعاتی را مبنی بر اینکه "ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و رهبر معظم انقلاب، **خامنه‌ای**، برنامه سلاح‌های هسته‌ای را که در سال ۲۰۰۳ به حالت تعلیق درآورده بود، تأیید نکرده است" رد کرد. ترامپ در پاسخ به این شهادت گفت: "او اشتباه می‌کند."

سپس، پس از یک حمله هوایی ایالات متحده که ترامپ ادعا کرد "به طور کامل و تمام عیار" قابلیت‌های کلیدی هسته‌ای ایران را نابود کرده است، گزارش‌های مطبوعاتی در مورد یک ارزیابی اولیه فاش شده توسط آژانس اطلاعات دفاعی حاکی از آن بود که حملات هوایی ایالات متحده احتمالاً برنامه ایران را تنها چند ماه به عقب انداخته است. کاخ سفید واکنش نشان داد و خود ترامپ دوباره بر زبان "نابودی کامل" خود تأکید کرد. کارولین لیویت، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، اعلام کرد که ارزیابی اطلاعاتی گزارش شده «کاملاً اشتباه» است.

در وهله اول، ترامپ سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده را به دست کم گرفتن یک تهدید فرضی متهم می‌کرد. در وهله دوم، او در واقع آنها را به دست بالا گرفتن آنچه از این «تهدید» پس از حمله ایالات متحده باقی مانده بود، متهم می‌کرد. سازمان‌های اطلاعاتی در وهله اول، پیش از آنکه ناگهان به هشداردهندگان جنگ طلب تبدیل شوند، اهل مدارا و خوش‌بینی نبودند.

در عوض، این قسمت‌ها نشان دهنده تلاش ترامپ برای تحریف داستان به گونه‌ای است که در آن او ظاهراً با یک تهدید جدی روبرو شده و با اقدام جسورانه خود، آن را از بین برده است.

دولت در تلاش برای بی‌اعتبار کردن هرگونه پیشنهادی مبنی بر اینکه تأثیر حملات هوایی ایالات متحده به برنامه هسته‌ای ایران مهم و طولانی مدت نبوده است، بیش از حد تلاش کرده است. جان راتکلیف، مدیر سیا، بیانیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه «مجموعه‌ای از اطلاعات معتبر نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران توسط حملات هدفمند اخیر به شدت آسیب دیده است.» مدیر اطلاعات ملی گابارد در رسانه‌های اجتماعی اظهار داشت که «اطلاعات جدید، آنچه را که POTUS@ بارها گفته است تأیید می‌کند: تأسیسات هسته‌ای ایران نابود شده‌اند»، در حالی که گابارد «رسانه‌های تبلیغاتی» را به دلیل گزارش ارزیابی فاش شده DIA بی‌اعتبار کرد.

این واکنش، مسائل اصلی مبنی بر اینکه آیا حملات هوایی عاقلانه بوده اند یا خیر و اینکه در رویارویی با ایران چه اتفاقی می افتد را نادیده می گیرد. هیچ کس منکر این نیست که حمله ایالات متحده خسارات سنگینی وارد کرده است. بمب های 30 هزار پوندی معمولاً این کار را انجام می دهند. وزیر امور خارجه ایران «خسارت قابل توجه و جدی» به تأسیسات هسته ای ناشی از حملات ایالات متحده را تأیید کرده است.

اما حتی آسیب فیزیکی شدید به معنای ناتوانی در بازسازی و بازسازی یک برنامه نیست. همچنین انکار نمی کند که حتی با آسیب شدید به تأسیسات هدف، مواد و تجهیزاتی باقی مانده است که می توانند پایه و اساسی برای بازسازی باشند

تأسیسات غنی سازی زیرزمینی در فردو - هدف اصلی آن بمب های 30 هزار پوندی - بیشترین توجه را در تفسیرهای پس از حمله به خود جلب کرده است. آن تأسیسات آنقدر در اعماق زمین قرار دارد که دلیل خوبی برای تردید وجود دارد که حتی چندین بمب سنگر شکن هم بتوانند آن را نابود کنند، اگرچه رافائل گروسی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA)، ارزیابی می کند که حساسیت سانتریفیوژهای غنی سازی به ارتعاش به این معنی است که سانتریفیوژها احتمالاً از کار افتاده اند.

حداقل به همان اندازه مهم، احتمال بالای این است که ایران، با پیش بینی حملات، حداقل مقداری از اورانیوم غنی شده خود را به مکان های نامعلومی منتقل کرده باشد. این ممکن است شامل ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده تا ۶۰ درصد باشد که در فردو بوده است.

همچنین استعدادهای علمی و مهندسی وجود دارند که در یک برنامه هسته ای چند دهه ای دخیل بوده اند و در میان افراد زیادی در ایران پراکنده شده اند که حتی اسرائیل هم نمی تواند آنها را ترور کند. این استعداد می تواند برای بازسازی هر یک از تأسیسات هسته ای، از جمله تأسیسات تبدیل اورانیوم که مارکوروبیو، وزیر امور خارجه، با افزودن صدای خود به پیام دولت در مورد آسیب شدیدی به برنامه ایران، بر آن تأکید کرد، به کار گرفته شود.

زمان بندی های فرضی برای بازسازی احتمالی برنامه هسته ای ایران، بی دقت و بدون پایه و اساس، در تلاش ها برای تحریف این داستان گنجانده شده اند. هم راتکلیف و هم گابارد از «سال ها» مورد نیاز برای بازسازی صحبت کردند. ترامپ گفت که برنامه ایران «سال هاست که از بین رفته است». وقتی از ترامپ پرسیده شد که آیا ایالات متحده دوباره به ایران حمله خواهد کرد یا خیر، او پاسخ داد: «من نگران این موضوع نخواهم بود»، که تلویحاً به عدم بازسازی برنامه هسته ای ایران در طول سه سال و نیم باقی مانده از دوران ریاست جمهوری اش اشاره داشت.

هنوز غیر ممکن است که چنین پیش بینی هایی فراتر از حدس های آگاهانه انجام شود، و نه تنها به این دلیل که پیش بینی های مبتنی بر شواهد، نیازمند مشاهدات میدانی هستند که نه

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نه ایالات متحده در حال حاضر از آن برخوردار نیستند. جدول زمانی برای بازسازی همچنین به شدت به اولویتی که دولت انجام‌دهنده بازسازی به پروژه می‌دهد و فداکاری‌هایی که حاضر است برای رسیدن به هدف خود انجام دهد، بستگی دارد.

در این راستا، می‌توان به یاد آورد که چگونه در دهه 1970، ذوالفقار علی بوتو، نخست وزیر پاکستان، اعلام کرد که پاکستانی‌ها در صورت لزوم برای دستیابی به سلاح هسته‌ای «علف می‌خورند، حتی گرسنه می‌مانند». عراق صدام حسین، پس از بمباران راکتور هسته‌ای عراق توسط اسرائیل در سال 1981، یک برنامه هسته‌ای مخفی با اولویت بالا و شتاب یافته را آغاز کرد که عراق را بسیار نزدیک تر به دستیابی به سلاح هسته‌ای کرد، بیش از آنچه که قبل از حمله اسرائیل در مسیر دستیابی به آن بود. تلاش‌های دولت برای تحریف واقعیت، به ویژه در مورد نیت ایران، بی‌هدف است. این موضوعی است که ترامپ ابتدا در مورد آن قضاوت مهم جامعه اطلاعاتی را رد کرد و این همان موضوعی است که تعیین می‌کند آیا اصلاً برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای ایران، جنگ لازم بوده است یا خیر.

اغراق در مورد یک تهدید خارجی، به‌ویژه زمانی که موضوع عمدتاً نیت باشد تا توانایی‌ها، به راحتی قابل حل است. ادعایی در مورد توانایی‌ها ممکن است بعداً با شواهد مادی رد شود، در حالی که اثبات یا رد نیت، شامل سوال دشوارتری در مورد آنچه در ذهن رهبران خارجی می‌گذرد، می‌شود.

اگر هیچ مدرک خوبی از قصد ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای هرگز آشکار نشود، ترامپ می‌تواند ادعا کند که این اقدام قاطع او بوده که ایرانیان را از برداشتن آن گام ترساننده یا منصرف کرده است. از طرف دیگر، اگر حملات اسرائیل و ایالات متحده، ایرانیان را - با توجه به نیاز به یک عامل بازدارنده قوی‌تر - به سمت ساخت سلاح هسته‌ای سوق دهد، ترامپ می‌تواند ادعا کند که این نیت ایران از همان ابتدا بوده است. برای عموم مردم دشوار خواهد بود که تشخیص دهند چه چیزی در این داستان درست و چه چیزی نادرست است.

مردم آمریکا پیش‌داوری‌های خاص خود را دارند که به این نوع چرخش‌های دولتی کمک می‌کند، از جمله تمایل به فرض بدترین حالت در مورد هر چیزی که مربوط به ایران باشد. دولت همچنین می‌تواند از جهل عمومی اساسی در مورد این موضوع سوءاستفاده کند، همانطور که در یک نظرسنجی در سال 2021 نشان داده شد که در آن 61 درصد از پاسخ‌دهندگان به اشتباه معتقد بودند که ایران از قبل سلاح هسته‌ای دارد.

تلاش‌های بی‌وقفه دولت اسرائیل برای به تصویر کشیدن ایران به عنوان یک تهدید جدی، در برداشت‌های نخبگان و همچنین عموم مردم نقش داشته است. اسرائیل تکه‌هایی از اطلاعات را به این کمپین هشداردهنده تزریق کرده است، که شامل افشاگری‌های ظاهراً

"جدید" است که فراتر از دانش قبلی نیستند، یا مشاهدات ضمنی هستند که برای اتصال آنها به تصمیم فرضی ایران برای ساخت بمب، به زنجیره‌ای از بدترین حالت‌ها نیاز دارند.

اسرائیل از طریق عملیات تهاجمی خود نشان داده است که نفوذ اطلاعاتی آن در ایران چقدر گسترده است. اگر این اطلاعات ناچیزی که در مورد تصمیم فرضی ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای ارائه داده است، بهترین اطلاعاتی است که می‌تواند ارائه دهد، این اطلاعات ناچیز خود گواهی بر این است که ایران چنین تصمیمی نگرفته است. بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، بیش از سه دهه است که می‌گوید ایران در آستانه ساخت سلاح هسته‌ای است. اگرچه حتی یک ساعت خراب هم روزی دو بار درست می‌گوید، اما باور کردن آنچه نتانیا هو در مورد مسائل هسته‌ای ایران می‌گوید، نادیده گرفتن این است که او چقدر در این مدت اشتباه کرده است. همچنین با توجه به هدف قوی اسرائیل برای درگیر کردن ایالات متحده در جنگ علیه ایران، این حرف‌ها نادیده گرفتن این است که هرگونه افشاگری اطلاعاتی اسرائیل در مورد این موضوع چقدر بی‌اساس خواهد بود.

می‌توان با اطمینان فرض کرد که هر اطلاعاتی که اسرائیل ارائه می‌دهد، بخش کوچکی از اطلاعاتی است که در این مورد جمع‌آوری کرده است و با دقت انتخاب شده تا از تلاش آن برای کشاندن ایالات متحده به جنگ پشتیبانی کند. به این کار، گزینش گزینشی می‌گویند. آمریکایی‌ها باید این مفهوم را درک کنند، زیرا ۲۲ سال پیش، آنها هدف استفاده مغرضانه مشابهی از اطلاعات برای توجیه حمله به عراق قرار گرفتند، رویدادی که من در جای دیگری به تفصیل شرح داده‌ام.

اظهارات اخیر راتکلیف و گابارد که با هدف تأیید ادعاهای ترامپ در مورد "نابودی" انجام شده بود، نمونه دیگری از گزینش گزینشی است. این اظهارات، ارزیابی نیستند. برای مثال، وقتی راتکلیف به «اطلاعات جدید» استناد می‌کند که «چندین تأسیسات هسته‌ای کلیدی ایران نابود شده‌اند و باید در طول سال‌ها بازسازی شوند»، این موضوع هیچ چیزی در مورد آنچه نابود نشده و پتانسیل بازسازی کل برنامه هسته‌ای ایران نمی‌گوید.

ترامپ پیش از این به دنبال توافقی با ایران بود که بتواند آن را «توافقی بهتر» از آنچه باراک اوباما به دست آورده بود، معرفی کند. اما اکنون که نتانیا هو او را به جنگ با ایران کشانده است، ترامپ می‌گوید: «برایم مهم نیست که توافقی داشته باشم یا نه.» او به سختی می‌تواند شواهد مربوط به ادامه قابلیت‌های هسته‌ای ایران را نادیده بگیرد و ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده در مورد این موضوع را نادیده بگیرد.

ترامپ برای مقابله با این قابلیت‌ها تحت فشار خواهد بود و در پایبندی به پیش‌بینی خود مبنی بر اینکه نگران حملات بیشتر به ایران نخواهد بود، با مشکل مواجه خواهد شد. این فشار به ویژه از سوی دولت اسرائیل وارد خواهد شد که هدفش برای درگیر کردن

نظامی ایالات متحده علیه ایران ادامه خواهد یافت و وزیر دفاع آن ، اسرائیل کا تز، از «سیاست اجرایی» شامل حملات بیشتر علیه ایران صحبت می‌کند .

در همین حال، وظیفه اطلاعاتی نظارت بر آنچه از برنامه هسته‌ای ایران باقی مانده است، دشوارتر از همیشه خواهد بود . هیچ جایگزینی برای نظارت در محل توسط بازرسان بین‌المللی، به ویژه نوع سرزده‌ای که در توافق جامعی که ایران در سال ۲۰۱۵ امضا کرد و ترامپ سه سال بعد آن را رها کرد، پیش‌بینی شده است، وجود ندارد . ایران که از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دلیل عدم محکومیت رسمی حملات اسرائیل و آمریکا عصبانی است و به آژانس به دلیل ارائه اطلاعات به اسرائیل که حملات و ترورهای اسرائیل را تسهیل کرده است ، مشکوک است، عجله ای برای بازگرداندن دسترسی بازرسان ندارد

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

پاول آر. پیلار

پاول آر. پیلار، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون و پژوهشگر غیرمقیم در موسسه کوئینسی برای کشورداری مسئولانه است . او همچنین پژوهشگر وابسته مرکز سیاست امنیتی ژنو است . دیدگاه‌های مطرح شده توسط نویسندگان در مورد کشورداری مسئولانه

با تقدیم احترام «2025-07-02»
